

دانشنامه جهان اسلام

س

سنن ابن ماجه - سنن کيآنک

(۲۵)



زیر نظر

علاء علی حداد عادل

معاون

حسن طارمی راد

تهران ۱۳۹۷

Robert Cribb, *Historical atlas of Indonesia*, Richmond, Engl. 2000; Steven Drakeley, *The history of Indonesia*, Westport, Conn. 2005; Howard M. Federspiel, *Sultans, shamans, and saints: Islam and Muslims in Southeast Asia*, Honolulu 2007; Farish A. Noor, *Islam on the move: the Tablighi Jama'at in Southeast Asia*, Amsterdam 2012; Anthony Reid, "Economic and social change, c.1400-1800", in *The Cambridge history of Southeast Asia*, ibid; Merle Calvin Ricklefs, *A history of modern Indonesia since c. 1200*, Stanford, Calif. 2008; *Southeast Asia: a historical encyclopedia, from Angkor Wat to East Timor*, ed. Ooi Keat Gin, Santa Barbara, Calif.: ABC-CLIO, 2004, s.v. "Surabaya" (by Mary Somers Heidhues); *The Territories of Indonesia*, ed. Iem Brown, London: Routledge, 2009; Geoff Wade, "Southeast Asia in the 15th century", in *Southeast Asia in the fifteenth century: the China factor*, ed. Geoff Wade and Sun Laichen, Singapore: NUS Press, 2010; *World and its peoples: eastern and southern Asia*, New York: Marshall Cavendish, 2008.

/ فائزه رحمان /

سوراکارتا^۵، شهری در استان جاوه* مرکزی در اندونزی و نام سلطان نشینی اسلامی از قرن دوازدهم/ هجدهم. سوراکارتا یا سولو^۶ بین دو کوه مراپی^۷ در مغرب و لاو^۸ در مشرق، و رودخانه بنگاوان سولو^۹ در جنوب قرار دارد و پس از سمارانگ^{۱۰}، دومین شهر بزرگ جاوه مرکزی است. این شهر شامل پنج ناحیه لاویان^{۱۱}، سارانگان^{۱۲}، پاسارکلیون^{۱۳}، جبرس^{۱۴} و بنجارساری^{۱۵} است (← > اطلس جامع جهان تایمز^{۱۶}، نقشه^{۱۸}؛ دولت شهر سوراکارتا^{۱۷}، ۲۰۱۶: > سرزمینهای اندونزی^{۱۸}، ص ۶۰). شعار مشهور «سولو، روح جاوه»^{۱۹} نشان دهنده اهمیت سوراکارتا در حیات فرهنگی جزیره جاوه است. موقعیت مهم جغرافیایی سوراکارتا در جاوه مرکزی، به عنوان نقطه اتصال سمارانگ^{۲۰}، یوگیاکارتا^{۲۱} و سورابایا^{۲۲}، آن را به کانون مهم بازرگانی بدل کرده است (دولت شهر سوراکارتا، ۲۰۱۶).

مردم از نقاط مختلف اندونزی به این شهر مهاجرت کردند. دولت استعماری نیز مناطق زندگی اروپاییان، چینیه و بومیان را از یکدیگر تفکیک کرد (> جنوب شرقی آسیا<؛ > جهان و مردمانش<، همانجا).

در جریان جنگ جهانی دوم، در ۱۳۲۱ ش/ ۱۹۴۲ ژاپنیه سورابایا را تصرف کردند. در ۱۳۲۳ ش/ ۱۹۴۴، پس از آنکه هلند و بریتانیا این شهر را بمباران کردند، ژاپن عقب نشینی کرد و به این ترتیب، سورابایا در اختیار ملی گرایان اندونزی قرار گرفت. سورابایا در دوران مبارزات استقلال طلبانه اندونزی (۱۳۲۶- ۱۳۲۸ ش/ ۱۹۴۷-۱۹۴۹) صحنه نبردهای شدید بود و به سبب سهم اساسی در جریان استقلال اندونزی در مقابل هلندیها و بریتانیاییها، به شهر قهرمانان شهرت یافت. در ۲۰ آبان ۱۳۲۴/ ۱۱ نوامبر ۱۹۴۵، سورابایا متحمل نبرد سنگین نیروهای ملی گرا با بریتانیاییها و هلندیها شد که در نتیجه آن، زمینه استقلال اندونزی از هلند فراهم آمد و این روز نیز در تاریخ سورابایا روز قهرمانان نام گرفت. در همین دوره، رهبران سازمانهای نهضت العلماء و ماشومی* دفاع از وطن را جهاد خواندند و متعاقب آن کبابیها (معلمان دینی) و طلبان آنها از مدارس مذهبی شرق جاوه به سورابایا رفتند و به این ترتیب، همه نیروهای انقلابی متحد شدند (← > جنوب شرقی آسیا<، همانجا؛ > سرزمینهای اندونزی<، ص ۶۷؛ > جهان و مردمانش<، ج ۱۰، ص ۱۳۹۸-۱۳۹۹؛ کریب، ص ۱۵۴، ۱۸۲). در این مدت، سورابایا خسارات فراوان دید و پس از استقلال رسمی اندونزی، در ۱۳۲۸ ش/ ۱۹۴۹ بازسازی شد (> جهان و مردمانش<، ج ۱۰، ص ۱۳۹۹).

در قرن چهاردهم/ بیستم، شخصیتها و جنبشهای ملی گرای مهمی از سورابایا برخاستند. حاجی عمر سعید چوکروامینوتو^۱ رهبر سرکت اسلام^۲، سوکارنو^۳ اولین رئیس جمهور اندونزی، و همچنین رادن سوتومو^۴، که سهمی بسزا در ارتقای سطح آموزشی و فرهنگی مردم اندونزی داشت، اهل سورابایا بودند (← > جنوب شرقی آسیا<، همانجا).

منابع:

Barbara Watson Andaya, "Political development between the sixteenth and eighteenth centuries", in *The Cambridge history of Southeast Asia*, ed. Nicholas Tarling, vol. 2, Cambridge: Cambridge University Press, 1999;

- | | | | |
|---------------------------------|----------------------------------|--------------------------------|--|
| 1. Haji Omar Said Tjokroamimoto | 2. Sarekat Islam | 3. Sukarno | 4. Raden Sutomo |
| 5. Surakarta | 6. Solo | 7. Merapi | 8. Lawu |
| 9. Bengawan Solo | 10. Semarang | 11. Laweyan | 12. Sarangan |
| 13. Pasar Kliwon | 14. Jebres | 15. Banjarsari | 16. The Times comprehensive atlas of the world |
| 17. Pemerintah Kota Surakarta | 18. The Territories of Indonesia | 19. "Solo, The Spirit of Java" | 20. Semarang |
| 21. Yogyakarta | 22. Surabaya | | |



چشم‌انداز شهر سوراکارتا و کاخ منگکونگاران، امروزه موزه هنر شهر، سال ساخت ۱۷۵۷/۱۱۷۰

بنابر سرشماری ۱۳۹۰ ش/ ۲۰۱۱، جمعیت سوراکارتا ۵۸۸'۱۱۰ تن، شامل ۷۵٫۹٪ مسلمان، ۲۳٫۲٪ مسیحی، ۰٫۶٪ بودایی و ۰٫۳٪ هندو بوده‌است. پرجمعیت‌ترین گروه‌های قومی سوراکارتا به ترتیب جاوه‌ای، چینی، عرب، سوندایی، مادورایی، باناک^۱، مالایی و بتاوی^۲‌اند. بیشتر مسلمانان سوراکارتا جاوه‌ای و عرب‌تبارند. زبان مردم این منطقه از تکامل‌یافته‌ترین گونه‌های زبان جاوه‌ای است (ویلدن^۳، ص ۱۹۰؛ سوهادی^۴، ص ۵۲، ۵۴؛ سپوتره^۵ و ویدیسمره^۶، ص ۲۷؛ نیز ← جاوه‌ای، زبان *).

منسوجات باتیک با طرح‌ها و رنگ‌های سنتی از مهم‌ترین تولیدات سوراکارتا است. در ۱۸۷۰/۱۲۸۶، خط آهنی از سوراکارتا به سمارانگ احداث شد و امکان انتقال سریع‌تر محصولات سوراکارتا به سواحل شمالی جاوه فراهم گردید. یکی از فرودگاه‌های مهم جاوه مرکزی به نام ادی سومارمو^۷ در سوراکارتا قرار دارد (> جنوب شرقی آسیا^۸، ذیل ماده؛ > سرزمین‌های اندونزی، ص ۶۴).

کاخ منگکونگاران^۹ که در ۱۷۵۷/۱۱۷۰ به دستور شاهزاده منگکونگوروی اول^{۱۰} (حک: ۱۱۷۰-۱۲۰۹/۱۷۵۷-۱۷۹۵) بنا شد، از بناهای تاریخی این شهر است. این کاخ امروزه به موزه هنر تبدیل شده‌است (دولت‌شهر سوراکارتا، ۲۰۱۶؛ نیز ← هال^{۱۱}، ص ۵۰۲).

در سوراکارتا، مؤسسات آموزش عالی متعدد وجود دارد. نخستین مدرسه تربیت معلم جاوه که تابع شیوه آموزشی هلندی بود، در ۱۸۵۲/۱۲۶۸ در سوراکارتا تأسیس شد (← کوننچارانیگر^{۱۲}، ص ۶۷؛ > سرزمین‌های اندونزی، همانجا). از دانشگاه‌های مهم اسلامی آن دانشگاه محمدیه سوراکارتا^{۱۳} است (← دانشگاه محمدیه سوراکارتا، ۲۰۱۷).

دربارۀ تاریخ اولیه سوراکارتا آگاهی دقیقی در دست نیست. سوراکارتا در ابتدا بخشی از پادشاهی اسلامی ماتارام^{۱۴} بود. با نفوذ اقتصادی و سیاسی کمپانی هند شرقی هلند^{۱۵} در جاوه مرکزی، حاکم ماتارام، پاکوبوونوی دوم^{۱۵} (حک: ۱۱۳۸-۱۱۶۲/۱۷۲۶-۱۷۴۹)، در ۱۷۴۶/۱۱۵۹ پایتخت خود را از کارتاسورا^{۱۶} (در جاوه مرکزی) به روستایی به نام سالالا^{۱۷} (تلفظ جاوه‌ای سولو) منتقل کرد و آن را سوراکارتا نامید (← ویلدن، ص ۱۹۲-۱۹۳؛ فدراشپیل^{۱۸}، ص ۷۴؛ د. اسلام، چاپ دوم، ذیل

ماده). از دوره پاکوبوونوی دوم اسلام، که با فرهنگ جاوی درآمیخته بود، با حمایت خاندان سلطنتی در سوراکارتا گسترش یافت. پس از درگذشت وی، هلندی‌ها پاکوبوونوی سوم (حک: ۱۱۶۲-۱۲۰۲/۱۷۴۹-۱۷۸۸) را به سلطنت ماتارام برگزیدند. او تا ۱۷۵۵/۱۱۶۸ برای جلب حمایت هلند به اجبار امتیازاتی به این کشور داد. درنهایت، حکومت یکپارچه ماتارام بر اثر درگیری‌های داخلی به تدریج رو به ضعف گذاشت (ریکلفس^{۱۹}، ص ۱۱۹-۱۲۰؛ اندایا^{۲۰}، ص ۱۰۷؛ د. اسلام، همانجا). در ۱۷۵۵/۱۱۶۸، براساس معاهده گیانتی^{۲۱}، سلطنت ماتارام به دو سلطنت سوراکارتا و یوگیاکارتا تقسیم شد (> سرزمین‌های اندونزی، ص ۶۲؛ هال، ص ۵۰۳).

سلطنت سوراکارتا در دوره پاکوبوونوی دهم (۱۳۱۰-۱۳۵۷/۱۳۱۸ ش) ۱۸۹۳-۱۹۳۹ با فعالیتهای استقلال‌طلبانه مردم اندونزی روبه‌رو بود. در دوران ملی‌گرایی و انقلاب اندونزی (۱۳۲۴-۱۳۲۸ ش/ ۱۹۴۵-۱۹۴۹)، پاکوبوونوی دوازدهم با اعتراض مردم علیه سلطنت خود مواجه شد، اما پس از جنگ جهانی دوم (۱۳۱۸-۱۳۲۴ ش/ ۱۹۳۹-۱۹۴۵) و پایان یافتن دوران استعمار در اندونزی، او همچنان بر حق حاکمیتش اصرار داشت. در این دوره، که فقر و ناآرامی در برخی نواحی جاوه گسترده شده بود، سوراکارتا کانون فعالیتهای کمونیستی شد. در نتیجه، با قدرت گرفتن کمونیستها و بروز بحرانهای پس از اعلام استقلال اندونزی و درگیری با هلندی‌ها، به تدریج سلطنت پاکوبوونوی دوازدهم به افول گرایید (> جنوب شرقی آسیا، همانجا؛ ریکلفس، ص ۲۵۹؛ د. اسلام، همانجا). پس از درگذشت وی در ۱۳۸۳ ش/ ۲۰۰۴، اعضای

- | | | | | | |
|---|----------------------|--|---------------------------|---------------|----------------|
| 1. Batak | 2. Betawi | 3. Wildan | 4. Suhadi | 5. Saputra | 6. Widayasmara |
| 7. Adi Sumarmo | 8. Southeast Asia | 9. Pura Mangkunegaran | 10. Prince Mangkunegoro I | | |
| 11. Hall | 12. Koentjaraningrat | 13. Universitas Muhammadiyah Surakarta (UMS) | 15. Pakubuwono II | 16. Kartasura | |
| 14. Verenigde Oost-Indische Compagnie (VOC)/ Dutch East India Company | | | 21. Giyanti | | |
| 17. Sala | 18. Federspiel | 19. Ricklefs | 20. Andaya | | |



مسجد جامع اکوگ کراتی سوراکارتا، سال ساخت ۱۶۹۸

بیضاوی^۹، ص ۲۷۰). به درخواست محمد ناصر^{۱۰}، بنیانگذار و رهبر شورای تبلیغات اسلامی اندونزی^{۱۱}، شعبه‌هایی از این شورا در اندونزی و به‌ویژه سوراکارتا ایجاد شد. هر چند پس از درگذشت وی در ۱۳۷۲ ش / ۱۹۹۳، فعالیت این شورا در سوراکارتا کاهش یافت. همچنین، یکی از مهم‌ترین سازمانهای اسلامی در سوراکارتا «شورای تفسیر قرآن»^{۱۲} است که عبدالله طفیل سپوتره^{۱۳} (متوفی ۱۳۷۱ ش / ۱۹۹۲) آن را به‌منظور مقابله با تحريفات راه‌رفته در اعتقادات مسلمانان تشکیل داد. «اتجمن مسلمانان»^{۱۴} که مذكر^{۱۵} آن را در ۱۳۵۵ ش / ۱۹۷۶ برای آموزشهای دینی تشکیل داد و جبهه جوانان اسلامی سوراکارتا^{۱۶} از دیگر سازمانهای اسلامی در این شهرند. ازجمله فعالیتهای جبهه جوانان اسلامی دعوت مردم به تقاضات برای مخالفت با سیاستهای دولت، دخالتهای امریکا در جهان اسلام و اعتراض به بی‌توجهی به احکام اسلامی در جامعه است (بیضاوی، ویلندن، ص ۱۹۶، ۲۰۲-۲۰۳، ۲۰۵-۲۰۶، ۲۰۹). بیضاوی، همانجا؛ هدیز^{۱۷}، ص ۲۸؛ سوناروونو^{۱۸}، ص ۱۹۶.

منابع:

Barbara Watson Andaya, "Political development between the sixteenth and eighteenth centuries", in *The Cambridge history of Southeast Asia*, ed. Nicholas Tarling, vol. 2, Cambridge: Cambridge University Press, 1999; Zukiyuddin Baidhawy, "The problem of multiculturalism: radicalism mainstreaming through religious preaching in Surakarta", *Journal of Indonesian Islam*, vol.4, no. 2 (Dec. 2000); Ef^۲, s.v. "Surakarta" (by C. C. Berg-[O. Schuurman]); Howard M. Federspiel, *Sulawesi, shamaras, and sultans: Islam and Muslims in Southeast Asia*,

خاندان سلطنتی پس از منازعاتی هنگبھی^۱، پسر بزرگ پاکو بووونوی دوازدهم، را به نام پاکو بووونوی سیزدهم بر تخت نشاندند. سلطنت تشریفاتی وی تاکنون (۱۳۹۵ ش / ۲۰۱۶)، تحت حاکمیت جمهوری اندونزی، ادامه یافته است (فرند^۲، ص ۱۴؛ < جنوب شرقی آسیا >، همانجا).

به‌رغم رواج شیوه تعلیم و تربیت و زندگی اروپایی در دربار جاوه، سلاطین سوراکارتا به حفظ و ترویج فرهنگ و هنر سنتی جاوه اهتمام داشتند. در سوراکارتا و یوگیاکارتا، به‌منظور اداره امور دینی ازجمله صدور فتوا و حفظ و نگهداری اماکن مقدس تشکیلاتی ایجاد شد. علما نیز به آموزش علوم دینی در مدارس و ابراد وعظ و خطابه اشتغال داشتند (فدراشپیل، ص ۱۰۵-۱۰۶). اوج رونق اسلام و اجرای قوانین اسلامی در دوره سلطنت دومین حاکم سوراکارتا، پاکو بووونوی چهارم (حک: ۱۲۰۲-۱۲۳۵ / ۱۷۸۸-۱۸۲۰)، بود. او به‌منظور گسترش اسلام برخی از علمای مسلمان چون کیایی جمری^۳ اهل بنیومس^۴ (در جاوه مرکزی) را به سوراکارتا دعوت کرد. کیایی جمری در سوراکارتا، پسترن^۵ و پندک^۶ (مدارس علوم دینی) تأسیس کرد. هر چند، پسترن او در دوره نفوذ هلندیها، به‌ویژه از ۱۲۴۰ تا ۱۲۴۵ / ۱۸۲۵-۱۸۳۰، رو به ضعف رفت اما در ۱۲۹۵ / ۱۸۷۸، عالمی دیگر به نام کیایی محمد ادریس آن را بازسازی و احیا کرد. کیایی محمد در ۱۳۲۲ / ۱۹۰۵ با حمایت سلطان پاکو بووونوی دهم مدرسه اسلامی جدیدی به نام منبع‌العلوم تأسیس کرد. در این مدرسه که در ابتدا برای آموزش به اعضای خاندان سلطنتی و اشراف ایجاد شده بود، برخلاف پسترنهای سنتی، شیوه‌های تعلیم و تربیت جدید در همه مقاطع تحصیلی به‌کار گرفته شد (ویلندن، ص ۱۹۳-۱۹۴).

سوراکارتا به‌عنوان کانون اولیه شکل‌گیری جنبش سرکت اسلام^۷، در نیمه اول سده چهاردهم / بیستم، نیز اهمیت داشت (سرکت اسلام^۸). به‌علاوه، کانون فعالیتهای کمونیستی پس از استقلال اندونزی بود (ریکلفس، ص ۲۶۵-۲۷۰؛ ویلندن، ص ۱۹۵). گسترش کمونیسم و حضور مسلمانان آبانگان^۹ در سوراکارتا، که به ارزشهای عرفی و بومی جاوه‌ای پایبندند، از اواخر قرن چهاردهم / بیستم موجب ظهور جریانهای تندرو اسلامی چون حزب‌الله، جندالله، برسان^{۱۰} بسم‌الله و جهاد اهل‌السنة و الجماعة، شده است (ویلندن، ص ۱۹۰-۱۹۵).

1. Hangabeh

2. Friend

3. Kyai Jamsari

4. Banyumas

5. Pesantren

6. Pondok

7. Serikat Islam

8. Barisan

9. Baidhawy

10. Muhammadiyah

11. Yayasan Dewan Dakwah Islamiyah Indonesia

12. Majelis Tafsir Alqur'an (MTA)/ The Council of Qur'anic Exegesis

13. Abdullab Thufail Suputra

14. Jama'ah Gumat

15. H. Mudzakir

16. Front Pemuda Islam Surakarta (FPIS) Islamic Youth Front of Surakarta

17. Hadiz

18. Sunarwoto

Honolulu 2007; Maria Friend, "Kanjeng Ratu Kidul: the elusive goddess of Java", *TAASA review*, vol. 15, no. 4 (2006); Vedi R. Hadiz, "Political Islam in post-authoritarian Indonesia", Oxford Department of International Development, 2010. Retrieved Mar. 5, 2018, from www.qeh.ox.ac.uk/publications/political-islam-post-authoritarian-indonesia; Daniel George Edward Hall, *A history of South-East Asia*, London 1987; Koentjaraningrat, *Javanese culture*, Oxford 1989; Pemerintah Kota Surakarta, 2016. Retrieved Mar. 5, 2018, from surakartago.id; Merle Calvin Ricklefs, *A history of modern Indonesia since c.1200*, Stanford, Calif. 2008; Erlis Saputra and Cesar Widiasmara, "The effect of urban spatial structure on rapid bus transit services in Yogyakarta and Surakarta, Indonesia: a comparative study of the Trans Jogja and the Batik Solo Trans", *Geografia: Malaysian journal of society & space*, vol. 10, no. 2 (2014); *Southeast Asia: a historical encyclopedia, from Angkor Wat to East Timor*, ed. Ooi Keat Gin, Santa Barbara, Calif.: ABC-CLIO, 2004, s.v. "Surakarta" (by Vincent J. H. Houben); Suhadi, *I come from a Pancasila family: a discursive study on Muslim-Christian identity transformation in Indonesian post-Reformasi era*, Zurich 2014; Sunarwoto, "Dakwah radio in Surakarta: a contest for Islamic identity" in *Islam in Indonesia: contrasting images and interpretations*, ed. Jajat Burhanudin and Kees van Dijk, Amsterdam: Amsterdam University Press, 2013; *The Territories of Indonesia*, ed. Iem Brown, London: Routledge, 2009; *The Times comprehensive atlas of the world*, London: Times Books, 2014; Universitas Muhammadiyah Surakarta (UMS), 2017. Retrieved Mar. 5, 2018, from www.ums.ac.id; Muhammad Wildan, "Mapping radical Islam: a study of the proliferation of radical Islam in Solo, Central Java", in *Contemporary developments in Indonesian Islam: explaining the conservative turn*, ed. Martin van Bruinessen, Singapore: Institute of Southeast Asian Studies, 2013.

/ فائزه رحمان /

- | | | |
|---------------------------|---------------------------|---------|
| nady | 5. Minang Kabau | 6. Kern |
|), Mohammad Shuhaimi | 11. Osman Chuah Abdullah | |
| 14. <i>Hikayat Puteri</i> | 15. <i>Hikayat Melaya</i> | |
| Small (Surau kecil) | | |